

# امواجی که در ساحل پخش می شوند، دوباره به دریا برمیگردند.

دنیز ایشچی

جمعه ۳ دی ۱۳۸۹ - ۲۴ دسامبر ۲۰۱۰

روزی بود که یک سازمان فدائیان خلق داشتیم. ما دانشجویان جزوه های پخش شده از بیژن جزنی، امیر پرویز پویان و احمد زاده را در کتابخانه دانشگاه، کلمه به کلمه در دهنمان حک میکردیم. گروه بیژن و گروه احمدزاده یکی شده بودند. یک کلمه و سمبل "فدائی" شکل گرفته بود. سمبل واحدی که بعدها هر چقدر هم از نظر کمی ضربه خورده بود، از نظر آرمانی، امال و ایده آلهای یک نسل میلیونی انسانهای ازاده و بنیادگرا را در خود متبلور کرده بود. سمبل واحد با سختاری واحد امید نسلی را بدنای خود در صفهای میلیونی جمع کرده بود.

اتحاد دو گروه "مسعود احمدزاده" و "بیژن جزنی" نه فقط بر محور نزدیکی تحلیلها و همراهی استراتژی محوری کارکرد آنها و هدف نهایی مربوط به از میان برداشتن نظام پادشاهی بود، بلکه بیش از همه آنها ناشی از درک ضرورت نیاز تاریخی همان مقطع تاریخی ناشی میشد. ضرورت عاجلی که باید در کوتاهترین زمان ممکن به اتحاد عمل و اتفاق عمل برنامه ای ساختاری آنها منجر میشد. وحدت عملی که در قیام بهمن ماه 57 و وقایع بعد از آن نتیجه تاثیر نقش سمبلیک "فدائی"، خود را در صدها هزار جوان تحول گرای آزادیخواه و میلیونها مردم رنج دیده کشور متبلور کرد. بدون اغراق میتوان گفت که جنبش فدائی در آن موقع عمده ترین جریان تاثیر گذار سوسیال دموکرات در سرتاسر کشور به حساب می آمد.

پس از افت و خیزهای دهه شصت و شقه شقه شدن نسل فدائیان، سالهای سال است از تلاش در زمینه نزدیکی بخشهای مختلف و تکه پارچه شده جنبش فدائیان صحبت میشود، هنوز گامی را که بیش از چهار سال پیش بیژن و مسعود برداشتند، بیژن و مسعودهای امروز نمیخواهند بردارند. هنوز ما فقط به حرکت مستقل و جداگانه فکر میکنیم، نه اینکه به پاسخگویی به نیاز و ضرورت تاریخی و رسالت تاریخی که بر دوش جنبش سوسیال دموکراسی و چپ متعهد استوار است.

امروزه روز، بخشهای مختلف پارچه پارچه شده نسل بیژنها و مسعودها با رعایت دقیق اصول و موازین دموکراتیک و مشارکت جمعی در صفهای مستقل و شقه شقه شده خویش پشت سر همدیگر کنگره های دوره ای خود را تشکیل داده و اسناد سازمانی خود را صادر میکنند و کمیته مرکزی و هیات اجرائیه جدید را تعیین کرده و به تداوم راه مستقل خویش

ادامه میدهند. اصول و موازین مربوط به استقلال فکری و تمامی موازین دموکراتیک سازمانی رعایت شده و کسی هم نمیتواند گله مند باشد. آیا ما امروز با درک نیاز ویژه مقطع تاریخی به ضرورت نیاز تاریخی رسالت خودمان هم پاسخ درست میدهیم؟ جواب به این سوال متاسفانه همچنان منفی میباشد.

همین سال گذشته شاهد کنگره سازمان اتحاد فدائیان خلق و راه کارگر بودیم. یکی دو سال پیش هم شاهد کنگره یازدهم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بودیم. با خرسندی از خبر کنگره دوازدهم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که قرار است در ماه می برگزار گردد آگاه گردیدیم. من خودم احساس دو گانه ای از این بابت برایم دست داد. آیا واقعا به هیچ وجه امکان این وجود نداشت که سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران یک کنگره واحدی را تشکیل میداند؟ آیا اختلاف نظرها و مشکلات ساختاری دو سازمان آن اندازه زیاد و غیر قابل رفع و بنیادین میباشد که به هیچ وجه امکان چنین کنگره مشترکی واقعا موجود نبود؟ این در شرایطی میباشد که همین چند ماه پیش سازمان اتحاد فدائیان خلق کنگره خویش را برگزار کردند.

سوال اصلی بر سر این نیست که مگر ما با تشکیل این کنگره ها کار اشتباهی میکنیم. سوال اصلی بر این محور استوار است که آیا جنبش چپ بعد از قیام 22 خرداد 88 از نظر ساختاری و برنامه ای در محور پاسخگویی به رسالت تاریخی مقطعی خویش قدم بر میدارد یا نه؟ آیا ما با تکرار یکسری عملکردهای تکراری روتین، به جا آوردن مسئولیت های اساسنامه ای وظیفه تاریخی خویش را به جا آورده ایم؟ مگر بحثهایی که در کنگره سازمان اتحاد فدائیان صورت گرفت تا چه اندازه با مضمون بحثهایی که در کنگره سازمان اکثریت میخواهد پیش برده شود متفاوت میباشد؟ آیا سوالها و ضرورتهای سیاسی مقطعی دو سازمان سیاسی از همدیگر تا این اندازه متفاوت میباشند به هیچ وجه امکان تشکیل کنگره مشترک ایندو سازمان سیاسی را در یکجا غیر عملی میکرد؟ آیا پیش شرطهای اساسنامه ای و بوروکراتیک تا آن اندازه مهم هستند که مانع از پاسخگویی درست ما به نیاز مقطعی تاریخی نسل فدائیان خلق گردد.

ضرورت نیاز تاریخی سیاسی بر ما حکم میکند و همه ماها را متعهد میکند که بر راستای چندین محور به کار برنامه ای مشترک و طاقت فرسایی پردازیم. یکی از کارکردها شامل برداشتن اقدامات عملی خیلی جدی در محور شکل دهی به ساختار بلوک سوسیال دموکراسی و چپ متعهد میباشد. این کارکرد بر دو محور برنامه ای و ساختاری استوار خواهد بود. آیا گامهایی که ما در این محور برمیداریم هر چقدر هم لازم باشند، جهت پاسخگویی به ضرورت نیاز تاریخی مقطعی جنبش مردمی کافی میباشد؟ همانطور که قبلا هم اشاره شد، با کمال تاسف جواب این سوال منفی میباشد.

مطمئنا کنگره دوازدهم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با

اشتراک فعال تمامی اعضا و دستداران سازمان با موفقیت به بحث و بررسی موضوعات قرار گرفته در دستور خود خواهد پرداخت، اسناد جدید و پرباری را صادر خواهد کرد و دیگر موارد قرار گرفته در دستور کار خود را به جا خواهد آورد. با در نظر گرفتن اینکه (اکثریت) بزرگترین سازمان سیاسی سوسیال دموکراسی و جنبش چپ میباشد، آیا جهت استحکام بخشیدن و دست یابی به ضرورت نیازی جنبش چپ ایران در این مقطع تاریخی، این کارکرد کافی خواهد بود. آیا میشود تغییراتی در محور کارکردی آن بجا آورد تا مگر این پروژه نه تنها هدفهای این سازمان، بلکه در راه دستیابی به نیازهای تاریخی جنبش چپ بطور عام، قدمهای استوار و ضروری تاریخی را بتواند بردارد. همان کاری که گروه بیژن و احمدزاده با وجود اختلاف نظرهای بینشی قادر شدند با عمل کردن به آن استوره استوار "فدائی خلق" را بیافرینند. راه رفتن، کار کردن، مبارزه کردن هیچ وقت کافی نیست، مگر با به مقصد رسیدن، هدفمند بودن و با طی کردن پله های رسیدن به هدف نهایی توأم باشد. کارکردن طاقت فرسا کافی نیست، مگر در یک کار هدفمند، با دست یابی به هدف توأم باشد. تشکیل کنگره های پشت سرهم توسط شقه های مختلف فدائیان کافی نیست، مگر اینکه بتواند به تشکیل فراکسیون ائتلافی و متحد قدرتمند جنبش سوسیال دموکراسی و چپ متعهد منجر گردد. اگر این کارکردها به هدفهای مقطعی نیاز تاریخی خویش نتوانند پاسخ بگویند، بیشتر به راه رفتن کاروانی شبیه خواهد بود که امیدوار است بالاخره روزی روزگاری به منزلگاه خویش خواهد رسید، غافل از اینکه در دنیای سیاست بازیگران دیگری در این فعل و انفعالات فعالانه اشتراک دارند که در شرایط عدم پاسخگویی ما به نیازهای تاریخی آماده هستند این جای خالی را پر کرده و کنترل امور سیاسی کشوری را در راستای آمال سردمداران خویش بدست گیرند. آیا میدانید این کنگره های پراکنده بخشهای مختلف جنبش چپ تا چه اندازه موجب دوباره کاری و اتلاف توان و انرژی میگردد؟ آیا امکان اینکه نمایندگان سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران در کمیسیونهای مختلف کنگره سیزدهم سازمان شرکت نکنند، به هیچ امکانی به دلایل اساسنامه ای وجود ندارد؟ آیا نمایندگان این سازمان و یا سازمانهای سیاسی دیگر جنبش چپ و سوسیال دموکراسی و خصوصا آنهايي که از نسل فدائیان خلق جدا شده اند، در بحثهای کنگره ای و تصمیم گیریهای آن به دلایل اساسنامه ای اصلا وجود ندارد؟ آیا امکان اینکه کنگره دوازدهم سازمان (اکثریت) بتواند به کنگره فراگیر سوسیال دموکراسی و چپ ایران فرا روید، به هیچ وجود ندارد؟ جنبش چپ متعهد و سوسیال دموکرات وقتی از این بابت به مقصد خویش رسیده است که بتواند کنگره فراگیر و عمومی خویش را تشکیل داده و بعنوان وزنه سنگین واحدی در داخل جنبش فراگیر سکولار دموکراتیک عرض اندام بکند.

امروزه آنطور که جنبش چپ در خیلی کشورهای آمریکای لاتین و خیلی جاهای دیگر بعنوان وزنه سنگین هدایت کننده آمال آزادیخواهانه و

عدالت جویانه مردمی مطرح است، در شرایطی که از خیلی جهات، تاریخی مشابه تاریخ جنبش چپ ایران را پشت سرخویش گذرانده است، توانسته است بعنوان سنگین ترین وزنه سیاسی نقش بنیادگرانه ای در استقرار آزادی، عدالت اجتماعی، رشد و ترقی اجتماعی و خود کفایی اقتصادی ایفا بکند. چرا در مورد ماها این پراکندگی شقه شقه شده از ائتلافها، اتحاد عملهای پراکنده، دادن اعلامیه های مشترک به وحدت ساختاری برنامه ای بلوک سوسیال دموکراسی و چپ متعهد فرا نمی روید؟ بعضی ها معتقدند که این بیماری ناشی از روحیه عشیرتی و فرقه گرایانه ماها میباشد که ترجیح میدهم مثل سران قبایل افغانستان، همیشه یک عشیره و طایفه و فرقه ای داشته باشیم که چند نفر از ماها مادام العمر و یا نسل اندر نسل در دامنه محدوده خویش جزو سران همان فرقه ها، قبیله ها و یا عشیره ها بمانیم.

اگر آرزو کردن عیب نباشد، بگذار آرزو بکنیم که کنگره دوازدهم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بتواند در راستای کنگره مشترک سوسیال دموکراسی و چپ متعهد گامهای استواری به پیش بردارد. آرزو بکنیم که این کنگره از یک کنگره ادواری وظیفه ای تعیین شده توسط اساسنامه سازمان، به کنگره ای فرا روید که گامهای استواری در راستای پاسخگویی به نیازهای مقطعی تاریخی جنبش سکولار دموکراتیک مردمی بردارد. آرزو بکنیم که همه آنهایی که خود را متعلق به نسل فدائیان خلق میدانند، به نحوی خود را در پر بار کردن و به ثمر رساندن دستاوردهای آن دخیل بدانند. آرزو بکنیم که نمایندگان شقه های دیگر جدا شده جنبش فدائیان هم بتوانند نقش فعالی در کمیسیونهای بررسی ها و تدوین اسناد آن اشتراک داشته باشند. آرزو بکنیم که این کنگره کنگره وحدت چندین بخش از جنبش فدائیان تبدیل گردد. آرزومندیم روزی ببینیم امواج فدائیان که در شنزارهای سواحل پراکنده شده اند، به دامن دریای وسیع واحد فدائیان خلق برگردند.

دنیز ایشچی 23/12/2010